

بررسی تطبیقی فرایندهای فرهنگی طبقات مختلف زنان دوره قاجار

زهره عطائی آشتیانی*

۱. مقدمه

دوره قاجار در طول ۱۳۰ سال حکومت خود، از دو وجه نسبت به گذشته اهمیت دارد اول آنکه همواره با عصیانها، بحرانها و شورشهای داخلی دست و پنجه نرم می کرد، دوم با مسائل مهم عصر، مانند استثماری تغییرموازنه قدرتو کاربست های نویناز سوی کشورهای باختری، وقوع انقلابهای دوران ساز اروپایی (انقلاب صنعتی انگلستان، انقلاب بورژوازی فرانسه و انقلاب سوسیالیستی روسیه)، آغاز سرمایه داری، تجددگرایی، تحولات گسترده و عمیق فرهنگی و... نیز روبه رو بود که آنها را به دادن تغییراتی ژرف در چهره و سرشت جامعه ایران ناگزیر کرد، و یکی از دلایلی بود که موجبات سقوط داریست فرمانروایی قاجار را به سال ۱۳۰۴ خورشیدی فراهم آورد. (ناهد، عبدالحسین، ۱۹۸۹م).

در این بین بررسی نگرش های فرهنگی زنان در این بازه زمانی از پیچیدگی خاصی برخوردار است، ملاحظه تلاش های همه زنان در راستای «هویت» پایدار در عرصه های مختلف از تغییر و تحول فکری و رفتاری گرفته به ایجاد و اصلاح، سازوکارهای فرهنگی برای طرح مطالبات فردی و خانوادگی شده است. در تاریخنگاری ایران، عموم زنان - به عنوان «شریک همتراز» که در عین حفظ هویت جنسیتی خود راه ناهموار تولید مفاهیم جمعی و فردی و بازتولید مفاهیم فرهنگی را برحسب نیازهای هر دوره گشوده اند - به دلایل متعددی کمتر مورد عنایت قرار گرفته است از جمله، اکثر منابع این دوره به تک

* استادیار مرکز اسناد فرهنگی آسیا، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

zohreashtiani2013@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۲

نگاری هایی اختصاص دارد که درخصوص آداب و وقایع «دربار» نگاشته شده است و غالباً دربارهٔ عموم زنان سکوت کرده اند و حداکثر به طور پراکنده اشاراتی داشته اند و بیشتر به وضعیت زنان در حرمسرا و مصائب ناشی از حسادت، بخل و تبعیض و عقب ماندگی فکری و رفتاری پرداخته اند.

از دیگر منابع مکتوب که در موضوع وضعیت زنان مورد بهره برداری قرار می گیرد سفرنامه ها و یا تک نگاری افراد غیر ایرانی است که نگاه فرهنگی متفاوتی نسبت به زندگی مردم دارند، لذا به نوعی با رویکرد جانب گرایانه گزارشاتی همراه با قضاوت تدوین نموده اند. همین امر موجب شده تا بسیاری از ابعاد زیست زنان این دوره مهجور ماند بنابراین از نگاه نویسنده ناآشنا به فرهنگ این سرزمین اثرگذاری و اثرپذیری زنان از جهان بیرون چشمگیر و محسوس نبود.

برخی دیگر از منابع با دیدگاه تحلیلی این دوره تاریخی را مکتوب نموده اند و دلیل اصلی جذب و آگاهی زنان ایرانی به آزادی، تمایل به احراز حقوق حقهٔ هویت اصیل خود، را سفرهای بیشمار جهانگردان و انتقال اندیشه هایشان، برقراری روابط با کشورهای پیشرفته، گشایش مدارس میسیونری فرنگی، نگارش و چاپ کتب متنوع، رفت و آمد زنان اشراف و خانواده های درباری با زنان سفراء، نوشته های متفکران و روشنفکران را از عوامل مهم در آگاهی زنان به حقوق خود در این عصر دانسته اند. ولی با مقایسه فاصله های زمانی میان رویدادها و تاثیر آن بر عموم زنان برخی از این تحلیل ها چندان واقعی به نظر آید.

کنکاش در مورد تاریخ ذهنیت ها چندان ساده نیست، اینکه گروهی نسبت خود و دیگری چه می اندیشند را شاید با بازگشت به طبقه شرایط اجتماعی متن تاریخی بتوان بازیابی نمود. به همین دلیل کندوکاو در تعاملات و فعالیت های فرهنگی طبقات اجتماعی زنان، شاید بتواند دریچه ای به سوی تحلیل جامعه از کاربست های فرهنگی زنان قاجاری باشد. به جهت سلوک و منش دو گروه از زنان که بازیگران اصلی صحنه اجتماعی ایران بودند:

- گروه اول زنان صاحب نفوذ، نخبگان و صاحبان مقتدر در عرصهٔ سیاسی و اقتصادی از جمله مادر، دختران و همسران شاه و نزدیکان دربار است. تحرکات و تحریکات آنان در اوضاع درونی حرمسرا و یا برخی امور اجتماعی تاثیرگذار بوده است. ولی سهم اثرگذاری عملکرد ایشان همواره با نوسان مواجه بوده و به نسبت مقاصد و

اهداف متفاوتی که در امور داخلی و اجتماعی آن روزگار داشتند حضوری متغیر داشته و با تکیه بر دو عامل در اهداف خود پیشبردهایی داشتند:

- توانایی‌های فردی و طبقه اجتماعی برآمده از آنبه واسطه تأثیرات فرهنگی و اخلاقی چون سنبل خانم منشا اثر به عنوان واسطه میان مردم و شاه در جامعه بودند این گروه به علت ویژگیهای فردی چون گشاده‌دستی، بخشش و انفاق در میان طبقات مختلف چون علما، به عنوان معتمدین مردم جهت دادخواهی و یا حمایت مالی شناخته شده و مورد اکرام ایشان بودند. نیز به علت اقتدار سیاسی پدران و همسران خود و فراهم آمدن امکان تحصیل و یا کسب تجربیات و یافته‌های خود در راه پیشرفت زنان و تغییر در سبک زندگی عموم زنان ایرانی البته با شاخصه‌هایی که در اروپا آموخته بودند، گام‌هایی برداشتند.

- میزان علقه و اعتماد قدرت سیاسی حاکم یعنی شاه به هر یک از ایشان چون آغاباجی الدوله، مونس الدوله. (رک: عضدالدوله، ۱۳۲۸، هدایت، ۱۳۴۴، بامداد، ۱۳۴۷)

- گروه دوم توده زنان هستند که نحوه زندگی خانوادگی و فردی آنان چندان مستند نشده است ولی در وقایع کلان اجتماعی از پتانسیل بالقوه آنان موثر بوده و یا خود به علت آگاهی و درک از اوضاع و احوال اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، در قلمرو قدرت مداخله می نمودند.

البته به دلایل مختلف از جمله نفوذ سیاسی، مستندات دقیق‌تری در خصوص گروه اول، وجود دارد و فعالیت‌های گروه دوم یا عموم زنان را بیشتر باید در قالب گنجینه‌هایی از آداب و مناسک و یا بروز فعالیتهای گروهی جستجو کرد در کل شکل و نحوه اثرگذاری آنان ماهیتاً با گروه اول متفاوت بوده است. هر چه از دوره مشروطه به دوران پهلوی نزدیکتر شویم اقدامات ساختارشکنانه خواص جامعه برای احقاق حقوق زنان بیشتر شده و عملکرد آنان با استناد به ادله‌هایی چون مانع بودن "رسم و رسومات مذهبی، حجاب، تربیت سستی و سختگیرانه خانواده‌ها، سطح پایین تحصیلات زنان و فرودستی اجتماعی - سیاسی و قانونی تثبیت شده" (ساناساریان، ۱۳۸۷، ص ۱۴) جلوه بیشتری یافت و به موازات آن نقش توده زنان کم رنگ تر شده است. تفاوت‌های عملکرد و راهبردهای این دو طبقه از مقایسه تحرکات فرهنگی و اجتماعی این دو گروه قابل سنجش است.

۲. روش پژوهش

مقاله حاضر از طرح پژوهشی مصوب مرکز اسناد فرهنگی آسیای پژوهشگاه علوم انسانی استخراج شده است، و از روش توصیفی - تحلیلی، متکی بر اطلاعات آرشیوی و اسنادی استفاده شده است.

۳. فعالیت های فرهنگی - اجتماعی دو گروه زنان در دوره قاجار

قاجاریان هنگامی زمام امور کشور را به دست گرفت که از چند دهه پیش از سقوط صفویه آشوب و کشمکش ایران را فراگرفته بود و تا چند دهه پس از استقرار نظام پادشاهی قاجار همچنان استمرار داشت. لذا در چنین شرایطی ثبات تولید، زراعت، تجارت و هر نوع فعالیت اقتصادی امکان پذیر نبود و به تاسی از شرایط اقتصادی، فرهنگ و کتابت و آموزش نیز با وقفه و رکود همراه بود؛ در چنین وضعیتی، شکل گیری نهادهای فرهنگی از آشوب و کشمکش مستثنی نبود.

ابتدا به دو زمینه مشترک از فعالیت های فرهنگی که تقریباً به یک نسبت در میان توده زنان و خواص رواج داشت یعنی سواد آموزی و پایبندی به آیین و آداب و رسوم می پردازیم، با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره، ابتدا بسترهای آموزشی و میزان فراوانی سواد در دو گروه خواص و توده زنان به واسطه تاثیر مستقیم با نحوه تفکر و رویکردهای ذهنی فردی و اجتماعی نگاهی گذرا خواهد شد.

۴. وضعیت نظام آموزشی زنان در دوره قاجار

از زمان جنگ با روس ها و از دست رفتن سرزمین های شمالی ایران، تا پایان پادشاهی فتحعلی شاه، حدود چهل سال پس از تأسیس دوره قاجار تا سال ۱۲۳۱ (ه.ق)، ایران به ثبات اجتماعی نسبی دست یافت و مسائل مبتلابه جامعه چون علل شکست و از دست رفتن بخش هایی از سرزمین ایران و دلایل عقب ماندگی از جمله مسئله به روز نمودن دانش و فن مورد توجه حکومت قرار گرفت. هرچند «نهاد آموزش که از سده دوم هجری به بعد شکل گرفته بود و نه تنها در هر شهری چند مکتب خانه وجود داشت بلکه کمتر ده و روستایی خالی از این مرکز تعلیمی بود... که با آموزش قرآن شکل گرفته بودند.» (مستوفی،

آموزش سنتی در ایران به سه شکل مکتب خانه ای، حوزه های علمیه و تدریس خصوصی در منازل رونق داشت. در مکتب خانه ها بیشتر به آموزش احکام مذهبی، خواندن قرآن و صرف و نحو عربی پرداخته می شد. هر کس با هر میزان دانش و سواد که داشت می توانست در هر جایی اعم از مساجد، سرگذرها، دکان ها یا منازل شخصی، مکانی را به نام مکتب خانه تأسیس کند و اطفالی را به شاگردی بپذیرد.

مکتب خانه های دوره قاجار را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

- مکتب خانه های میرزا باجی: در این مکتب خانه ها که اولین مقطع آموزشی آن دوره بود، کودکانی با سن چهار تا شش سال، شامل دختر و پسر پذیرفته می شدند. این زنان در میان مردم مورد احترام بودند. وظیفه آخوند باجی، آموختن الفبا، قرآن و امور شرعی بود. از آنجا که در این مکاتب به کودکان نوشتن نمی آموختند، به کاغذ و قلم هم نیازی نبود. (جهان پور، ۱۳۸۷: ۲۵) دوره مقدماتی با هدف سوادآموزی جهت خواندن و بهره برداری از قرآن برای آگاهی از مسائل شرعی بود که در مکتب خانه ها برگزار می شد.

- مکتب خانه های عمومی: دانش آموزان مکتب خانه های عمومی را بیشتر طبقات متوسط اجتماعی تشکیل می داد، که داشتن سواد از دو جهت برای آنان حائز اهمیت بود: اول، استفاده گروه های میانی جامعه از خرده سواد و دانشی که در مکتب خانه ها کسب می کردند برای رونق کسب و کار، دوم، انگیزه مذهبی که نیاز به آموزش قرآن، فهم و درک مفاهیم و استفاده از مسائل شرعی از اولویت امور روزمره بود.

شاگردان چه دختر و چه پسر از سن هفت یا هشت سالگی به این مکتب خانه ها وارد می شدند و تا سن بلوغ یعنی پانزده سالگی در آنجا به تحصیل مشغول بودند. (جهان پور، ۱۳۸۷: ۲۹) به عبارتی پسران و دختران شرایط نسبتاً یکسانی برای تحصیل در مقطع مقدماتی داشتند. حضور نسبتاً گسترده دختران مکتب خانه های عمومی و مکتب خانه های خصوصی دارای ادله است. (ترابی فارسانی، ۱۳۸۹: ۲۴) البته شیوه تدریس خصوصی و استفاده از معلم سرخانه نیز جنبه عمومی نداشت و به طور کلی ثروتمندان و خانواده های متمول برای اینکه فرزندان شان با کودکان دیگر تماس نداشته باشند و معاشرت با آنها موجب بدآموزیشان نشود از معلم سرخانه برای کودکان خود استفاده می کردند. بسیاری از دخترانی که در نظام سنتی آموزش تحت تعلیم قرار می گرفتند به طور معمول در نزد پدر، برادر، عمو، همسر یا محارم

دیگر تعلیم می گرفتند و از نعمت خواندن و نوشتن بهره مند می شدند. بدین ترتیب، زنان باسواد و عالم فقط در خانه خواص امکان پرورش می یافتند. (مستوفی، ۱۳۲۱: ۲۲۰-۲۲۱)

اگرچه اطلاعات چندانی در این خصوص در تاریخ قاجار نیامده است اما دامنه شمول و گستردگی مکتب‌خانه‌های عمومی چنان بود که جزو فراگیرترین نهادهای جمعی در این دوره محسوب می شد. عمومیت این نهاد به اندازه ای بود که دایر نمودن مکتب‌خانه‌های عمومی به دلیل فقدان نظام تعلیم و تربیت از سوی مرجع یا دستگاهی، تابع هیچ مقرراتی نبود، شرط لازم برای تأسیس مکتب‌خانه دانش «مکتب‌دار» و شرط کافی، شخصیت و مقبولیت مکتب‌دار در میان مردم بود. (قاسمی پویا، ۱۳۷۷: ۵۲) البته مشکلات اقتصادی ناشی از شرایط سیاسی کشور نمی توانست از دلایل عدم اقبال خانواده‌ها به تعلیم کودکان باشد، چرا که شهریه‌ها در حد رایگان بود (فخرایی، ۱۳۶۳). در نتیجه تنگنای مالی نسبت به الزام به فراگیری شرعیات و اصول مذهبی نمی توانست دلیل بر ممانعت دختران از سوادآموزی در حد مقدماتی شود. علاوه براین، به همان میزان که ترک تحصیل برای جذب در کسب و کار و تلاش معاش برای پسران عمومیت داشت برای دختران نیز ترک تحصیل به واسطه ازدواج یا هر دلیل دیگری رایج بود و لذا مساله ترک تحصیلا دعای مستدل مبنی بر نگرش جنسیتی نسبت به تحصیل دختران نمی تواند باشد؛ خصوصاً آنکه هیچ مرجعی جز خود مردم برای تعیین شایستگی بانی و مدیر مکتب‌خانه نبود و معمولاً این نهاد به حوزه‌های علمیه و طلاب علوم دینی سپرده می شد که جامعه مرجع و مورد اعتماد عموم در آن دوره بودند.

این نوع تعلیم و تربیت در دوره قاجار اگرچه نظام‌مندی مدارس جدید را نداشت ولی اثر وضعی به لحاظ رفتار، منش، اعتقادات را به صورت نسبی برای مردم به ارمغان می آورد. (رک: راوندی ۱۳۶۶، سرنا، ۱۳۶۲)

- مکتب‌خانه‌های خصوصی: امرا، مستوفیان، دیوانیان به اهمیت علم و دانش و آگاهی واقف بودند و هرچه در جامعه بر فاصله طبقاتی افزوده می شد، مکتب‌خانه‌های خصوصی نیز رونق بیشتری می یافت «امرا و اعیان و اشراف و توانگران اطفال خود را به مکتب نمی فرستادند زیرا به واسطه نواقصی که مکتب داشت و عادات و

اخلاق زشت کودکان دیگر، مکتب مناسب با حیثیت و شئون خداوندان نعمت نبود.»
(صدیق، ۱۳۵۴: ۳۸۰)

نقدهایی که تاکنون درخصوص ناهنجاری های نظام آموزشی سنتی در دوره قاجار شده است از دو محور غفلت نموده‌اند، اول آنکه نظام آموزش سنتی الزامات و سازوکارهای هماهنگ با بستر تاریخی و اجتماعی داشته و در مقایسه با نظام نوین آموزشی که خود بستر تاریخی و اجتماعی برگرفته از فرهنگ در خارج از ایران داشت، دارای مغایرت های به لحاظ ماهیت بود. بنابراین مطالعات چندان واقع گرا و در رابطه با متن نیازهای اجتماعی آن برهه تاریخی نیست، دوم عدم توجه به نیاز عمومی به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی آن روز ایران، فارغ از عواملی چون تبعیض جنسیتی است و اینکه شاید عامل اصلی عدم اقبال لایه های میانی جامعه به ادامه آموزش فرزندانشان و به قولی «توده انبوه نیاز به درس ندیدی» (کسروی، ۱۳۷۹: ۷۸) عدم احساس نیاز اقشار متوسط جامعه به تحصیل بوده است، چنانکه پس از مشروطه و تشکیل اولین دوره مجلس شورای ملی در ۱۴ مهر (۱۲۸۵ شمسی-۱۳۲۴ قمری) ایجاد نیاز در بازسازی ساختارهای کشور، نظام مند شدن آموزش را طلب می نمود. از آنجا که ضرورت حضور در کسوت نمایندگی داشتن تحصیلات و دانستن حقوق شرعی و اجتماعی بود، بیش از نیمی از نمایندگان دوره اول مجلس را روحانیون - به دلیل آموزش در مدارس تخصصی - تشکیل دادند و با اهمیت یافتن تأثیر مجلس شورای ملی در اداره کشور، این امر نیاز به حرکت به سمت تخصصی شدن نظام آموزشی را در پی داشت، ضمن آنکه زمینه هایی چون اعزام محصل به خارج، آمدن هیئت های مذهبی، انتشار روزنامه، ترجمه کتاب و حمایت روشنفکران غرب دیده از اصلاحات فرهنگی و اجتماعی زمینه های حرکت دولت و جامعه را به این سمت فراهم کرد. اولین جرقه های آموزش جدید در کشور توسط میسیونهای خارجی زده شد. آنها به هنگام ورود به کشور به قصد تبلیغ مذهبی سعی در ایجاد مدرسی به سبک اروپایی می کردند (محبوبی، ۱۳۷۰: ۲۴۰).

اما بسترهایی که امنیت و توجیه ضروریات تأسیس مدارس نوین را بخصوص برای دختران فراهم آورد به کندی شکل می گرفت. چنانکه الزامات چنین حرکتی را سیدمحمدصادق طباطبایی (ره)، سرپرست مدرسه مبارکه اسلام (۱۳۱۷ ق)، چنین بیان می کنند: «چیزی که مانع ایجاد و احداث مکاتب دخترها است نبودن اداره نظمیه و نداشتن پلیس مرتب و مصادف شدن دختران با اشرار در هنگام ایاب و ذهاب و ممانعت معاندین

و تهیه نکردن زنان معلم با اخلاق و ترتیبات صحیح، کتب کلاسی و اجرای مجازات الواط است.» (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۲: ۱۲۲)

به هر حال تلاش برای ایجاد مدارس نوین نه آنگونه که در تاریخ به آن اشاره می شود از سوی زنان ایرانی بلکه از سوی سازمان خیریه و مذهبی خارج از ایران پایه گذاری شد و به نظر می رسد برخی زنان از طبقات متوسط اجتماعی به پیروی از مدارس میسیونری و در پاسخ به خلاءهای ناشی از تشکیل این مدارس پا در عرصه این فعالیت گذاشته اند، قراین آشکاری در این حوزه به لحاظ تقدم و تأخر زمانی در تأسیس این مراکز به چشم می خورد، که دلیلی بر گمانه مطرح شده می باشد. (رک، دیالافوا، کلارا، ۱۳۶۱، خاقانی، ۱۳۵۲، بامداد، ۱۳۴۷، قویمی، ۱۳۵۲ صدیق، ۱۳۴۲)

به نظر می رسد سال های ۱۲۹۱- ۱۲۵۱ ق یعنی نزدیک به چهل سال از دوره محمدمشاه تا پایان دوره ناصرالدین شاه، اوج فعالیت مبلغان غیرایرانی در ترویج مدارس نوین در شهرهای ایران برای دختران و حد فاصل ۱۳۳۷ - ۱۳۲۰ ق اوج تلاش زنان ایرانی در تأسیس و الگوبرداری چنین مدرسی به شکل مستقل بوده است.

شایان ذکر است اولین بار در ۱۳۲۳ ق وزیر علوم برای مدارس برنامه ای تنظیم کرد، زمانی که جامعه آمادگی پذیرش ساختارهای جدید آموزشی را پیدا کرده بود به این جهت در عرض هفده سال رشد قابل ملاحظه ای در ایجاد مدارس دخترانه توسط زنان به وجود آمد. «در تهران از چهل دبستان رایگان، ده دبستان مختص دختران و ... دست کم ۵۰ آموزشگاه دولتی دخترانه در تهران و چندین مدرسه در ولایات وجود دارد.» (کلارا کولیور، رایس، ۱۳۷۹: ۵۰۹). که تقریباً مقارن با پایان دوره قاجار بود اما در خصوص میزان سواد زنان پیش از تحولات آموزشی به شکل نوین، به نظر می رسد آموزش خواندن و نوشتن در هر دو گروه خواص و توده زنان تقریباً یکسان بوده است البته دسترسی زنان در طبقه اجتماعی بالا از مکتب خانه های خصوصیدر کسب سواد سهولت بیشتری نسبت به عموم داشته است ولی در زمینه منابع و برنامه تقریباً یکسان عمل می شد.

۵. فعالیت های فرهنگی زنان قاجار در قالب آداب و رسوم

زمینه مشترک دیگری در میان دو طبقه خواص و توده زنان می تواند بازتاب فعالیت های فرهنگی زنان دوره قاجار باشد در آداب و رسوم، باورها و آیین و مناسک آن دوره

تجلی یافته است. به طور کلی، آیین‌ها و رسومات (رک: کتیرایی ۱۳۷۸، سعدوندیان ۱۳۹۰، هدایت ۱۳۱۲، اعتمادالسلطنه ۱۳۵۰) این دوره در سه بخش عمده قابل طبقه‌بندی است:

- فعالیت‌هایی که در تقویم زندگی می‌گنجد (مراسم زایش تا مرگ چون: ازدواج و رسوم متداول مرتبط بدان) نه شمایی چندان اجتماعی و با مشارکت عموم، بلکه بیشتر در مرز خانه و محدوده خانواده و بستگان صورت می‌گرفت. فراوانی این نوع مراسم دلالت بر همبستگی خویش و قومی در میان زنان دوره قاجار دارد.
- دوم برخی ازین قسم رسوم مانند سوگواری‌ها، شادمانی‌ها و خواستاری‌ها نیز با مشارکت عمومی و فراتر از حصار خانواده و آشنایان و به طور نمایان و آزادتری در جامعه و حتی همگام و همپایه با مردان، صورت می‌گرفت. فعالیت گسترده و فراگیر داشته و با وجود قلت منابع درخصوص زنان، می‌توان جایگاه ایشان در هریک از رسوم را در لابلای سطور نگارندگان این دوره مشاهده کرد
- سوم آیین‌هایی که از ویژگی برجسته تری چون همیاری، دگریاری و خودیاری مانند سنت زیارت و امور خیریه و وقف برخوردار است. ویژگی مشترک تمام فعالیت‌های نامبرده تقویت زدایش‌پلیدی و بالندگی اخلاق همبستگی و پیوستگی است. به نظر می‌رسد تعدد موقوفات زنان در این دوره نشانگر نوعی استقلال در امور اقتصادی و رغبت به ایجاد سازمان‌هایی برای انتفاع عموم و همچنین دوراندیشی نسبت به توسعه کارکردهای آموزشی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و ... است

به نظر می‌رسد آداب و رسوم در این دوره کارآمدی‌های چندگانه‌ای از جمله ابعاد آموزشی، تعلیمی، اخلاقی، عبرت‌آموزی و سرگرمی در بین همه اقشار زنان داشته است. از سویی منبع و مأمونی مقبول برای او در جامعه محیا شده بود که نوعی انعطاف‌پذیری و تسامح در میان طبقات جامعه و به ویژه مردان ایجاد کرده و مجال حضور اجتماعی را برایش فراهم می‌ساخت و از طرف دیگر به دلیل تأثیر عواملی چون رفع نیازهای فردی و گروهی، علقه‌های ملی و دینی، تعامل مشترک تجربه‌ها در طبقات اجتماعی با هم، مناسک دارای تأثیر اجتماعی قابل توجهی حتی در آثار و نوشته‌های زنان قاجار به واسطه حضور کاملاً آزاد در مراسم مذهبی و فراهم آمدن زمینه جمع‌آوری اطلاعات و انگیزه تولید مکتوبات زنان ایران در دوره قاجار باشد با استناد بر مکتوبات ایشان به سیر تغییر در نحوه

تفکر و نگرش این قشر می توان به برخی چالش های زنان در آن دوره و بازتاب مسائل آنان از منظر جامعه پی برد.

۶. مکتوبات انعکاس بینش فرهنگی خواص قاجار

متون نوشتاری از گذشته تا به حال ابزار بروز احساس، تفکر و بینش افراد در قالب کلمات با اهداف روشن در اینگونه آثار است. بنابراین بررسی مکتوبات می تواند یکی از راه های دستیابی به نوع نگاه قشرها، طبقات اجتماعی و افراد هر جامعه در دوره های مختلف باشد. از جمله آثاری که از دوره قاجار به جای مانده است مکتوبات زنان در قالب گوناگون نوشتاری است و به نظر می رسد «رابطه زنان با فردیت خویش»، «رابطه زنان قاجار با محیط پیرامون خود» و «رابطه زنان با جامعه» را به تصویر می کشد. آنچه از این دوره از مکتوبات زنان بر جا مانده بیشتر به طبقه قدرتمند جامعه تعلق دارد و آثار معدودی از توده زنان در این زمینه وجود دارد این آثار عبارتند از: اشعار، سفرنامه، خاطرات، نامه ها و کتاب که با اهداف متفاوتی نوشته شده است.

۱.۶ شعر قالبی برای بازتاب رابطه زنان با فردیت زنانه

در این دوره به موازات تحولات تدریجی در زمینه سیاسی - فرهنگی کشور، زنان نیز به شعر بیشتر از گذشته روی آوردند تا احساسات خود را به نظم کشند. از حدود چهل و هشت تن شاعر زن این دوره، سی و دو تن همسر و دختر شاه، بانوی حرم و وابستگان دربار بودند. این گروه گاه از سر تفنن و گاه فخرفروشی شعر می ساختند و به سبب موقعیت اجتماعی خاص خود، فکر و بینشی محدود داشتند و هرگز نتوانستند در زمینه ادب منظوم فارسی منشأ اثر باشند. (کراچی ۱۳۷۴: ۳۳)

ویژگی مشترک اشعار زنان از سده چهارم تا سیزدهم قمری گرایش به مضمون های عاطفی و تقلید از اشعار عارفانه برای بروز احساسات فردی بود.

البته در دوره مشروطه آثار محدودی از شاعرانی نظیر فاطمه سلطان خانم، مهرتاج رخشان، نیمتاج سلماسی، فخر عادل خلعتبری، شمس کسمایی، ژاله قائم مقامی و ...، مصداق آشکار طغیان اجتماعی زن ایرانی و نگاه دوباره او به خویشتن خویش است. (رک:

کراچی ۱۳۷۴، رجبی ۱۳۷۴، کشاورز صدر ۱۳۳۴، عضدالدوله، ۱۳۶۲ اعتماد السلطنه - ،
مشیر سلیمی (۱۳۳۵)

۲.۶ بازنمایی رابطه زنان قاجار با محیط پیرامونی در قالب سفرنامه ها و خاطرات

در این دوره زنان وابسته به دربار و یا خاندان های نزدیک به قدرت و ثروت به دلیل امکان حشر و نشر و سفر، تجربیات بصری از وقایع روزمره در زمینه تدوین سفرنامه و خاطرات ارائه نموده اند و مشاهدات خود با آنچه از وقایع و اوضاع شهرها و رخدادهایی که در جریان سفر عیناً دیده یا شنیده اند را به تحریر در آورده اند، وجه اشتراک تمامی این آثار به طور کلی پرهیز از تفسیر و تحلیل واقعیت های مرتبط با هم است و بیشتر حالت توصیفی دارد و نویسندگان در پی یافتن جایگاه خود نسبت به محیط روزمره است.

۱.۲.۶ سفرنامه ها

سفرنامه های شاخص این دوره به چند گروه قابل دسته بندی است:

- گزارش سفر به خارج از مرزهای منطقه (اروپا):

در تحقیق انجام شده، مکتوبی در زمینه سفر زنان دوره قاجار به اروپا یا کشورهای آسیایی و سایر ملل به جز سفرنامه بی بی کوکب بختیار (۱۳۳۹-۱۲۷۱ ش)، دختر نصیر خان سردار بختیاری یافت نشد، مواجهه ایشان با فرهنگ بیگانه و مظاهر متفاوت زندگی در غرب و تطبیق بسترهای فرهنگی محیط درون ایران و اروپا از چالش های این بانو بوده است. (پور بختیار، ۱۲۹۱: ۹۶) چنانکه سر آرنولد ویلسون رئیس شرکت نفت ایران و انگلیس در مورد ایشان می نویسد: «در اینجا باید گفت که من در بین مردم ایران از طبقه اعم از اناث و ذکور، حتی در میان رجال سیاسی این کشور کمتر کسی را دیده ام که به اندازه این بی بی وسعت اطلاعات داشته باشد... سرکار بی بی معتقد بود مادام که سلاطین قاجاریه در این مملکت فرمانروایی می کنند، اهالی این کشور آب خوش از گلویشان پایین نخواهد رفت و اوضاع ناگوار کنونی اصلاح نخواهد شد.» (ویلسون، ۱۳۴۷: ۲۵۰)

- گزارش سفرهای زیارتی خارج از ایران:

سفرهای مربوط به حج و مکان های مقدس یکی از مهمترین موضوعات برای نگارش سفرنامه زنان درباری است. در این موضوع سه سفرنامه از زنان دوره قاجار وجود دارد: سفرنامه عصمت السلطنه دختر فرهاد میرزا در سال ۱۲۹۷ ق، سفرنامه بانو علویه کرمانی (نام او مشخص نیست) در سال ۱۳۰۹ ق و سفرنامه وقارالدوله همسر ناصرالدین شاه در ۱۳۰۷ ق.

- روزنامه سفر حج بانو علویه کرمانی (۱۳۰۹-۱۳۱۲ ق)

بانوی کرمانی از سادات، طبقه اشرافی ولی نه چندان بالا است. این سفرنامه در واقع در دو بخش تنظیم شده یک قسمت مربوط به ماجرای سفر حج و زیارت عتبات، در بخش دوم و بخش سوم به حال و هوای دربار ناصری در مدت اقامتش می پردازد. «از نگارش مملو از اغلاطش می توان فهمید که اگرچه تحصیلاتی داشته اما چنان جدی و پیشرفته نبوده است» (جعفریان، ۱۳۸۹: ۶۸۷). از ویژگی های این مندرجات این سفرنامه به لحاظ اطلاعات و توصیف منازل به مسیرها چه از جهت تاریخی چه جغرافیایی چندان غنی نیست اما بخصوص بازتاب دغدغه های بانویی است که تلاش در ایجاد ارتباط با محیط پیرامون خود را دارد و لذا می توان به اصلی ترین مواجهات زندگی زنان و نحوه سلوک و برخورد با مسائل مختلف پی برد. اگرچه نحوه موضعگیری، مشاهداتی در طبقه حاکم بوده و می توان نقطه افتراقی میان ایشان و زنان طبقه متوسط و ضعیف قائل شد، نوشته ها بیش از آنکه انعکاس موقعیت زمان و مکان در طول سفر باشد دل نگرانی ها، احساسات و نارضایتی نسبت به دیگران را رک و راست و گاه طنزآمیز بیان می کند.

- سفرنامه حاجیه مهرماه خانم عصمت السلطنه (وفات: ۲۵ ذی قعدة ۱۳۰۵)

او دختر فرهاد میرزا و جهان آرا خانم دختر شاهزاده محمدعلی میرزای دولتشاه، پسر بزرگ فتحعلیشاه بود (جعفریان، ۱۳۸۹: ج ۴، ۳۳۵-۳۳۶). در این سفرنامه (۲۵ ذی قعدة ۱۳۰۵ ق) می توان به شرح منازل و مسیر، مصائب و مشکلات راه اشاره کرد. شرح رویارویی با دیگرانی که فرهنگ و گرایش مذهبی دیگری دارند و قضاوت، انتقاد و موضعگیری درباره ایشان از نقاط قوت این سفرنامه و نگاه دقیق یک زن دربار قاجار است.

- سفرنامه وقارالدوله (همسر ناصرالدین شاه قاجار):

آغاز سفر وقارالدوله به حج در ۲۶ جمادی الاول ۱۳۱۷ و آخرین روزش ۵ ذیحجه ۱۳۱۸ است. این سفرنامه یکسال بعد یعنی در ۱۳۱۹ نگاشته شده است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۰). از برخی اشعار او در این سفرنامه پیدا است که اهل شعر نیز بوده است و در ابتدا و انتها، احساساتش را در غالب شعر آورده است.

در این سفرنامه، وقارالدوله با وجود فقر دایره زبانی و سواد ناکافی برای نوشتن، توانسته است از طریق پررنگ جلوه دادن برخی منازل و مشاهدات، و همچنین، حذف کردن و گذر کردن برخی توصیفاتی که آن را لازم نمی دانسته، نمایی کلی از سفر خود را در اختیار مخاطب قرار دهد. وی در این اثر گاه با زبانی تلویحی به انتقاد از خود و همجنسانش می پردازد به نظر می رسد او مقصر اصلی در وضعیت زنان را در خصوصیات خود آنان می داند، بی اعتمادی زن نسبت به خودش در دوره قاجاری، در این سفرنامه آشکار است.

به نظر می رسد ایشان درک به جا و متقن از شرایط محیط در هر منزلگاه دارند و علت کاستی ها را به شرایط محیطی و مردم نسبت می دهند، دائماً تمامی مخارج سفر را در هر منزل اعلام می کند، به طور کلی از سفرنامه های مذکور، اهمیت مذهب، آداب و رسوم متداول در این دوره، وجود آزادی زن در پرتوی اعمالی که مرتبط با مصادیق دینی و اعتقادی و یا مراسم آئینی است

- گزارش سفرهای داخلی در ایران:

در این گروه دو سفرنامه از آن دوره به جا مانده است که یکی متعلق به بی بی خاور خانم شادلو که مسیر بجنورد به تهران است و دیگری سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله از تهران به شیراز است که به اجمال آمده است.

- سفرنامه بی بی خاور خانم (۱۲۶۰ق؟-۱۲۹۷ ش)

خواهر سهام الدوله بجنوردی است که در ۱۳۱۷ شرح منازل سفر خود از بجنورد به تهران را نگاشته است (گلبن، محمد، ۱۳۷۹: ۱۱۲). خاور بی بی احتمالاً نزد معلم سرخانه که معمول آن زمان بود درس خواند و چون سواد فراگرفت از کتابخانه های غنی اجداد و برادر خود استفاده می کرد. وی علاوه بر کتب ادبی و دواوین شعرای ایران، بعضی از ادبیات اروپایی را که نمونه هایی از آنها ترجمه و چاپ شده بود از جمله سه تفنگدار و کنت مونت کریستو را خوانده بود. چه به هنگام گذر از سر دره خوار صخره های آنجا را به زندان قلعه ایف که زندان کنت مونت کریستو بود تشبیه کرده است. («سهام الدوله، ۱۳۷۴: ۳۵). در این سفرنامه نیز گرایش فردی و اجتماعی زنان و باورها و اعتقادات نهادینه

شده میان ایشان موج می زند. نحوه عملکرد او در حین سفر، برخوردها، صحبت ها و اهم موضوعات مطرح شده نمایی از دقت و نکته سنجی افکار او را روشن می سازد.

- سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله

متن سفرنامه ساده و با زبان محاوره است گویی نویسنده مسئولیتی را که به او واگذار شده گزارش می دهد تا تاییدی بر حسن انجام کار او باشد. در جای جای سفرنامه ابراز رضایت به خوبی حکایت از این امر دارد. این سفرنامه حاوی اطلاعات زیادی نسبت به نسبت های خانوادگی و آداب و رسوم مربوط به آداب عروسی و بازنمایی فرهنگ آن روزگار است:

کاروان همراه وقارالدوله نه تجاری بوده و نه زیارتی، بلکه آن را می توان کاروان شادی نامید زیرا عروس دربار را به شیراز می برده است. عروس انیس الدوله دختر وجیه الله میرزا سپهسالار و برادرزاده سلطان عبدالمجید میرزا عین الدوله، صدر اعظم وقت و داماد، ملک منصور میرزا شعاع السلطنه، پسر مظفرالدین شاه و حاکم فارس بوده است. (کیانی هفت لنگ، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۱)

۲.۲.۶ خاطرات

خاطره نویسی از مهمترین منابع در حصول به حقایق تاریخی با هدف روشن ساختن گذشته ی فردی و اجتماعی، تجربیات، فراز و فرودهای یک جامعه به نگارش در می آید. خاطره نویسی با نگارش سفرنامه هرچند دارای زبان مشترکی است اما به نظر می رسد در سفرنامه، آغاز و پایانی تعریف شده و چشم اندازی معین دارد، در حالی که خاطره آزاد و رها از چنین قید و جبری آگاهانه به توصیف وقایع می پردازد، خاطره نویسی با مجال بازگو کردن چالش ها، فرصت ها، محاسن و معایب عصر نگارنده و زندگی، اثربمستند و تاریخی نگاشته می شود. زنان درخاطره نویسی که میراث اوآخر عصر ناصری است سهم مهمی داشتند خاطرات تاج السلطنه، مونس الدوله، مهرماه فرمانفرمایان و سردار مریم اسعد بختیاری از کتابهای خاطرات برجای مانده از زنان این دوره است که از طبقه خواص بوده و خانواده های ایشان از رجال متنفذ این دوره به شمار می رفتند. شاید این قسم نگارش توسط این گروه حضور حداکثری آنان در در رأس تکانه های مختلف اجتماعی است تا محنت موجود از مشاهده این تحولات را در خود کاهش داده و سهمی آگاهی دهنده در خصوص امور مختلف داشته باشند.

گرچه نوع نگارش و حتی میزان پرداختن به امور و زاویه دید ایشان در هر یک از نوشتارها، متفاوت است اما پرداختن به مسایل زنان موضوعی مشترک در این آثار است. فرازهای انتقادی و حق خواهانه مورد عتاب قرار دادن هرآنچه به نحوی جایگاه، منزلت و هویت زنان ایرانی را به چالش و ضعف می کشاند، ویژگی مشترک میان سه اثر تاج السلطنه، مونس الدوله و بی بی مریم به عنوان زنانی که قادر به بازخوانی محیط پیرامون زنان بوده پیشگام مندرجات ایشان ساخته بود. (رک: افشار، ۱۳۸۴: ۱۹، سعدوندیان، ۱۳۹۰، ابروانی)

۳.۶ کتاب و نامه نگاری، بازتاب رابطه زنان با جامعه

بازخورد رابطه زنان دوره قاجار با اجتماع در قالب نامه ها، کتاب ها و نشریات این دوره نمایان است در این آثار به خوبی می توان دغدغه ها و انتظارات از جامعه نسبت به منزلت زن را در چارچوب مباحث عمیق فکری و اعتقادی و به صورت هدفمند استخراج نمود.

۱.۳.۶ نامه ها

نامه ها از معدود منابع مکتوبی است که جایگاه زنان در مطالبه خواسته های نادیده گرفته شده، را هر چند به شکل فردی نشان می دهد، تعداد انگشت شماری از این اسناد نوشتاری که توسط وابستگان به خاندان های قدرت مدار در این دوره به جای مانده است که البته از نگارش آنها به مسائلی چون سواد، میزان تسلط و آگاهی ایشان بر امور، نگرانی ها و مطالبات ایشان می توان پی برد. انگیزه زنان از نامه نگاری، وصف اوضاع عمومی خود، بیان مشکلات و کمبودها، همفکری و همیاری از مخاطب نامه، شکایت و ابراز ناخرسندی از برخی امور و در نهایت اطلاع رسانی از شرایط زیست فردی یا اجتماعی بوده است.

در خلال سطور نامه های زنان گاهی اولویت ها، منویات و محدودیت های ایشان آشکار می شود. روحیات و انعطاف پذیری زنان در مواجهه با مسائل روز از مواردی است که لابلای نامه ها به طور مستتر و یا آشکار بیان شده است. همچنین برخی از این منابع مکتوب ابزاری در جهت بازگو کردن خواسته هایی است که در جهت دادخواهی و یا گشودن گره ای از مشکلات افراد است، به نظر می رسد برخی از زنان در این دوره ملجاء قابل اعتمادی برای رفع گرفتاری های عموم مردم بوده اند.

نامه های مهد علیا مادر ناصرالدین شاه قاجار: این نامه ها به دو بخش تقسیم می شود. نامه های او به شاه و به اشخاص مختلف. نامه های او به ناصرالدین شاه مملو از واژگان محبت آمیز به فرزندش است و در سراسر نامه ها دعا و آرزوی مطلوبیت و ابراز علاقه او نمایان است. و به عبارتی حفظ موقعیت تعیین کننده خود به عنوان «مادر شاه» با استفاده از خیل عظیم واژگان پُر احساس نسبت به ناصرالدین شاه در حالی است که در نامه هایش به رجال درباری، در خصوص بی توجهی شاه به خود معترض بوده است. بخش دوم نامه هایی که نشانگر قدرت او به رعایا است

نامه های تومان آغا یا فروغ الدوله: از مهمترین نامه های این دوره نامه های ملکه ایران، فروغ الدوله^۱ (۱۲۷۹ ق-۱۳۳۵ ق)، همسر ظهیرالدوله و دختر ناصرالدین شاه بود که خطاب به پیشکار خود حاجی خان در ۱۳۰۳ ق نگاشته شده است که مسائلی چون آب، ملک، اندرون، نوکر، باغبان، خرید و فروش و امور دیگر در آن مندرج است و تعداد مکاتبات به سیصد می رسد. از ویژگی های نامه های او وجود اغلاط فراوان و خط نه چندان خوانای اوست، اگرچه در میان زنان خطی خوش به شمار می رود. (گلین، محمد، ۱۳۷۹: ۱۱۱-۱۱۰)

نامه های شمس الدوله دختر عضدالدوله، خواهر عین الدوله و همسر ناصرالدین شاه: دو نامه به عضدالملک و یک نامه اعتراض آمیز به دستگیری برادرش عین الدوله عبدالمجید میرزا که مخاطب آن معلوم نیست، به جا مانده است. (موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند: 1261A8)

نامه های نجم السلطنه (۱۳۱۱-۱۲۳۳ ش): او دختر شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله و همایون سلطان خانم ملقب به حاجیه شاهزاده خانم است، دو نکته پر اهمیت در زندگی ایشان اهمیت خاصی دارد، اول اداره امور و به عهده گرفتن مسئولیت زندگی پر تلاطم ناشی از تغییرات سیاسی اجتماعی عبدالحسین فرمانفرما و همچنین فرزندان خود است که اهتمام و درایت زنانه نقش قابل توجهی در آن ایفا می کند. به گونه ای که محصول رویدادها و نوسانات از او شخصیتی فعال و پرتلاش و بی واهمه ساخته است. نکته دوم اراده ایشان در مدیریت اموال موروثی و تبدیل آن به وقف عام است، برخی نامه ها گزارش گونه است ولی به نظر می رسد به دلیل محدودیت های سیاسی نصرت الدوله، ایشان درصدد انتقال روابط اجتماعی و نهادهای حکومتی از جمله دربار است. (اتحادیه، ۱۳۸۸)

نامه عزیزالسلطنه، دختر ناصرالدین شاه: این نامه عریضه ای است مبنی بر قطع شدن مواجهش به دستور عین الدوله (۱۲۲۴ ش- ۱۳۰۶ ش)، صدراعظم ایران، خطاب به ناصرالملک. او در این نامه از عین الدوله انتقاد کرده و درخواست رسیدگی به اوضاع خود را دارد (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره سند: 1261A18)

۲.۳.۶ کتاب

کتاب از مکتوباتی است که هم حوزه تأثیرگذاری گسترده تر و هم ماندگاری بیشتری دارد و هم موضوع مورد نظر به شکل تخصصی تری مورد کنکاش قرار می گیرد، دو دسته آثار نشان از ضروریات آن روز جامعه قاجار در حوزه زنان داشته است:

- کتاب هایی با موضوعات احکام، اخلاق و فقه تفسیر قرآن که توسط زنانی که پس از طی دوره مقدماتی در مکتبخانه ها، تحصیلات علوم دینی را به صورت تخصصی تر و زیر نظر عالمان دینی ادامه داده اند، به نگارش درآمده است. کتاب برهان الایمان نوشته ملکه جهان دختر کامران میرزا و مادر احمد شاه قاجار، نجاه المسلمات نوشته نوری جهان طهرانی، بارقه حقیقت، نوشته قدس ایران، در شناخت بهائیت، مجمع الاحادیث (۱۲۹۳ق) شرح مسائل دینی و احادیث غامض، انوار التحقیق (۱۲۹۴ق) شامل سه مقاله عرفانی، نوشته سلطان خانم، فرزند آزاد خان نائب چاپارخانه یزد و کرمان تفسیر سوره فاتحه الکتاب، نوشته ام کلثوم برغانی قزوینی (۱۲۶۸-۱۲۲۴ق) فقیه و محدث، دختر ملاتقی برغانی معروف به شهید ثالث؛ سیده نصرت بیگم که آثار متعددی از او باقیمانده که عبارتند: اربعین الهاشمیه به عربی سال ۱۳۶۵ ق؛ جامع الشتات به عربی؛ آخرین سیر بشر: تهران ۱۳۲۶؛ النفحات الرحمانیه فی الواردات القلبیه به عربی: اصفهان ۱۳۶۹ ق؛ اخلاق: ترجمه کتاب ابن مسکویه؛ مخزن العرفان تفسیر قرآن در پانزده جلد؛ روش خوشبختی و توصیه به خواهران ایمانی: تهران ۱۳۳۱ در تبریز و اصفهان؛ مخزن اللالی در مناقب مولی الموالی امیرالمومنین؛ سیرو سلوک در روش اولیاء و طرق سیر سعءاء: ۱۳۲۳ ق، اصفهان (رک: گلبن، ۱۳۷۹، رکوعی، کیوان، ۱۳۸۹؛ مستوفیان، امیرعلی، ۱۳۸۷، توانا، مرادعلی، ۱۳۸۴)

- کتاب هایی با موضوع چالش های جنسیتی، دو کتاب شاخص آن تأدیب النسوان و معایب الرجال: این دو کتاب با فاصلهٔ چهل سال از یکدیگر نگاشته شده است از دو زاویه اهمیت به سزایی دارد:

اول اعلام شیوه و راهبرد نوین برای کسب حقوق از طریق شکاف جنسیتی و ایجاد روابط قطبی بین ظالم و مظلوم، زن و مرد، که پس از مشروطه از طریق روزنامه‌ها بیش از پیش به آن دامن زده شد،

دوم ایجاد تصویری واقعی و دوسویه از توقعات، انتظارات و چشم داشت‌های هر دو جنس زن و مرد از یکدیگر.

کتاب اول تأدیبات النسوان، «هسته اصلی این کتاب تربیتی، کتابچه آداب معاشرت نسوان یا به عبارت نسخه بدل دیگرش سلوک و سیرت زن نوشته خانلر میرزا احتشام الدوله است که در دوره ناصرالدین شاه و پیش از سال ۱۲۷۸ ه.ق نوشته شده است.» (کراچی، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

تأدیبات النسوان از وظایف سنتی زنان در خانواده و در رابطه با همسر تصویری یک جانبه گرا و متعصب ارائه می‌دهد. تأدیبات النسوان به جامعه‌ای با دو بخش اندرونی و بیرونی اشاره دارد که از یکسو نظام سنتی اجازه ورود زنان به اجتماع را نمی‌دهد و از سوی مردان نگران استقلال درونی هستند و حتی اعتراف میکنند که نمی‌توانند با اقتدارشان از دامنه نفوذ زنان بکاهند. محافل زنان در اندرونی تبادل افکارشان و پرده‌مابین اندرونی و بیرونی فاصله میان زندگی زن و مرد گذاشته، که خود به هراس می‌انجامد (جوادی، ۱۳۷۱: ص ۱۸-۲۰).

کتاب دوم با عنوان «معايب الرجال» توسط بی بی خانم استرآبادی، همسر موسی خان میرپنج، نگاشته شد؛ «بی بی خانم با استفاده از دانش ادبی و مذهبی خود و با سود جستن از طنز، شعر، حکایت، ترانه، احادیث نبوی و آیه‌های قرآنی، گاه با زبانی عامیانه اما همواره بی پرده و بی باکانه به شرح معايب و ستمگری‌های شوهران می‌پردازد.» (توحیدی، نیره، ۲۱۱)

او زنی است از طبقه متوسط که به واقعیت وجودی زن ایرانی به خوبی آگاه است لذا در طبقه بندی معايب مردان به سوی ناهنجاری‌های شاخص آنان چون اعتیاد، شراب خواری، قمار و ... می‌رود. یا در بخش دیگری هدف از کتاب را بیان می‌نماید: «این کمینه خود را قابل تأدیبات کردن رجال ندانسته و لذا جواب کتاب تأدیبات النسوان را گفته و معايب الرجال را نگاشتم تا معايب شان عیان شود شاید دست از ادب کردن نسوان بردارند و در پی ادب کردن خود برآیند.» (همان)

این دو کتاب به خوبی شرح احوال زنان و مردان روزگار قاجار است که برداشت های متفاوتی در قبال آن صورت گرفته است. نکته قابل تأمل در این رودررویی این است که در تأدیبات النسوان زن آن دوره «زن، آنچنان که باید باشد» شرح داده شده که شاید دلالت بر این تلقی دارد که زنان چندان هم مطیع، فرمانبردار، شرمنده و خجول و ... نبوده اند و در تمامی مراحل رساله سعی شده تا وظایف زن را در چهارچوب پند و اندرز به جامعه یادآوری نماید. لذا سخنی از مسئولیت و حقوق ذهن او را درگیر ننموده است چرا که به نظر می رسد واکنشی نسبت به رفتار و کردار زنان پیرامون وی است، در حالی که رساله معایب الرجال در حال توصیف «مرد، آنچنان که هست» است به شرح ناهنجاری هایی که گریبانگیر خانواده و زنان است می پردازد و با رویکرد تطبیقی، مسئولیت های مرد را در قبال همسرش بازگو می نماید و حتی فرمانبری از قانون که «مهتری و کهتری» هر قشر را بر قشر دیگر تعیین نماید پیشنهاد می دهد.

۴.۶ نشریات

از دورهمشروطه زنان، با نوشتارهایی چون اعلامیه علیه حکومت مطلقه، در برخی روزنامه های مشهور آن زمان مانند جبل المتین و ندای وطن و تجدد نوشته هایی از خود برجای گذاشتند و جسته و گریخته حضور ایشان را در روزنامه و نشریات مختلف می توان مشاهده کرد. در این نوشته ها معمولاً اسم و هویت زنان مکتوم بود و تنها امضای مکتوب «یکی از نسوان» یا «مخدرات وطن» داشتند. هم زمان با فعالیت های آموزشی نوین توسط مسیونرها فارغ التحصیلان مدارس دخترانه اقلیت ها در تاسیس نشریات بیشترین سهم را داشتند

نشریات بانوان در ابتدا حول محور موضوعاتی در مورد خانواده، همسر و فرزندداری می چرخید، هرچه مضمون گذر زمان شد به الگوبرداری از روش ها و محتوای روزنامه و مجلات اروپا در خصوص تعلیم و تربیت، الگوهای پوشش نزدیک تر شد و تلاش در تغییر ذائقه زندگی سنتی داشت. البته عناوین نشریات زنان مانند زبان زنان، عالم نسوان، مخدرات وطن و ... نشانه ای بر لزوم فراهم آوری و افزایش آگاهی جامعه در خصوص زندگی زنان، نیازها، خواست های زنان نیز تأکید داشت. از آنجا که تنفس نشریات در بستر وقایع اجتماعی و میزان فعالیت و واقع گرایی نسبت به رویدادها، امکان پذیر است، گرایش سیاسی روزنامه های زنان تحت الشعاع تبعیض جنسیتی قرار گرفت و تلاش در فعالیت های

روزنامه نگاری حول استیفای حقوق زنان بر نقد استبداد حاکم اولویت پیدا کرد. لذا مباحث منحصر به تبعیض زدایی در مواجهه با جامعه مردانه قرار گرفت، این گمانه قابل طرح است که شاید به دلیل ارتباط موسسان نشریات با مراکز قدرت و یا ثروت ملاحظاتی جهت نقد حاکمیت وجود داشته است. (رک: خسرو پناه، ۱۳۷۷: گلبن ۷۹۱۳، شیخ الاسلامی، ۱۳۵۱)

۷. محور های فعالیت های فرهنگی توده زنان

عموم زنان در این دوره اگرچه حضور سازمان یافته ای و آثار فرهنگی که حکایت از طبقه اجتماعی آنان داشته باشد به جای نگذاشته اند، اما به نظر می رسد به واسطه بحران های اقتصادی، قحطی و فقر که به شکل حداکثری در جامعه بر سر مرد و زن به یک اندازه گسترده بود، عموم زنان قدرت و جسارت عکس العمل به شرایط موجود را در قالب تحرکات و همگرایی، که نشانگر طرز فکر این قشر در جهت منافع ملی بود، سامان می دادند و گشایشی هایی در تغییر مناسبات حکومت و مردم داشت و در مخاطراتی که حیات عمومی ایران آن روز را تحت الشعاع قرار داده بود و بیشترین سهم را در اعتراضات و ایجاد جریانات اجتماعی مخالف استقلال و امنیت ملی توده زنان تشکیل می دادند. پیشرو بودن در برخی حرکت های که برخاسته از نحوه تفکر و بینش این گروه بود اجمالاً آورده می شود.

۱.۷ بلوای نان

بلوای گرانی نان برآمده از بحران اقتصادی و قحطی بود که در سرتاسر دوره قاجاریه و پیش از هر چیز در مسئله نان نمود پیدا کرده بود و چهارچوب های سنتی رابطه شاه و رعیت را به دو دلیل درهم ریخته بود اولاً زنان در این حرکت به دنبال بهبود وضعیت فردی نبوده در واقع حمایت از نان آوران خانه، یعنی مردان، در مرکز هدف ایشان قرار داشت. چرا که نان خوراک اصلی را تشکیل می داد و گرانی نان با درآمد نان آوران همخوانی نداشته و به طبع، بخشی از دغدغه معیشت و اقتصاد خانواده را زنان به دوش کشیدند. دوم اینکه اگرچه در ابتدا اینهمبستگی به ظاهراً اقتصادی بود اما روشن بینان از سوء استفاده دولتمردان از وضع نابسامان و احتکار گندم و سوء مدیریت حکام و دیوانیان عامل اصلی اعتراض برای مقابله با فساد دولتمردان زنان را نقش آفرین اصلی شرایط بحرانی نمود.

۲.۷ قرارداد رژی و واگذاری امتیاز انحصاری توتون و تنباکو

قرارداد واگذاری امتیاز توتون و تنباکوی ایران به انگلستان رابطه تنگاتنگی با نیازها و زندگی روزمره عموم مردم داشت. لذا تأثیر آن در طیف بزرگی از اقشار از روستایی تا شهرنشین انعکاس یافت. کانون های اصلی این قیام ضداستعماری و ضد استبدادی تبریز، شیراز و تهران با حضور و مشارکت زنان مسلح در تبریز، تهران، شیراز قیام به رهبری طبقات پایین جامعه با بستن بازار شکل گرفت (رک: سرداری نیا، ۱۳۷۷، رجبی ۱۳۷۴، آبادیان ۱۳۷۶)، و عملکرد عموم زنان در جهت پایداری در مقابل ظلم، مشکلات اقتصادی بستری مناسب برای توسعه حضور در نهضت مشروطه را فراهم آورد.

۳.۷ انقلاب مشروطه

اولین همیاری علنی و نسبتاً سازمان یافته زنان و مردان به موازات یکدیگر و با هدفی مشترک علیه استعمار بیگانه و استبداد حکومت انقلاب مشروطه در دوره قاجار بود. منابع این دوره گواهی میدهند که مشروطه نه محصول اعتراضات مردان، بلکه محصول مداومت و پایداری جامعه بینش و آزادیخواهی زنان برای برقراری عدالت بود. پیش از مشروطه خواهی، عدالتخانه خواسته ای بود که در دوره ناصری از جانب مردم مطرح شد و به تدریج جای خود را به مشروطه و مجلس و حکومت قانون داد (براون، ۱۳۸۰، کسروی، ۱۳۷۸؛ اعظام قدسی، ج ۱، ۱۳۷۹). زنان در این انقلاب در هر دست اندازی بر سر راه محقق شدن مشروطیت حضور داشته و اثرگذار بودند. (رک: ناهید، ۱۳۶۰، مصفا، ۱۳۷۵، کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۲). حضور زنان با روبنده و چادر در این جنبش (کسروی، ۱۳۷۳، ص ۱۲۶) علی رغم تاکید برخی منابع که اصرار و اذعان بر محدودیت زنان به دلیل پوشش ایشان داشتند، تا نبرد مسلحانه زنان تبریزی در کسوت مردان و اقدامات پشت صحنه ی ایشان که نشان از مقاومت صحنه نبرد را دارد، نشان می دهد.

۴.۷ پشتیبانی در تأسیس بانک ملی

پس از محقق شدن مشروطه نیز، دوراناندیشی زنان و اهمیتی که برای مبارزات خود و جامعه قائل بودند ایشان را به مشارکت های مالی و اقتصادی برای حفظ استقلال ملی و جلوگیری از تحرکات عوامل خارجی که قصد سست کردن پایه های نهضت را داشتند، واداشت

یکی از تلاشهای چشمگیر زنان در این خصوص مربوط تامین منابع مالی برای بازپرداخت وامهای کلانیست که دولت ایران از دول خارجی اخذ می کرد و دولت را مقروض می ساخت. (کسروی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰-۱۸۲؛ ناهید، ۱۳۶۰، ص ۷۶).

۵.۷ تحریم کالاهای انگلیس و روس

از دیگر تلاش هایی که نشان از دیدگاه اجتماعی - فرهنگی زنان دارد، در جریان اولتیماتوم روس، برای بیرون کردن مورگان شوستر امریکایی بود. در این حادثه که روس، لشکری به شمال ایران فرستاد مردم در شهرهای مختلف چون تهران، تبریز، رشت و ... به مخالفت با اولتیماتوم پرداختند. زنان در این حرکت عمومی به حمایت از تحریم کالاهای روسی و انگلیسی به خیابان ها آمدند و در تهران و قزوین و اذربایجان و اصفهان گویا تظاهرات کردند. بعضی از آنها بر فراز دیوار یا سکویی رفتند و برای مردم سخن گفتند و بر ضرورت دفاع از حیثیت وطن پای فشردند و از مجلس خواستند که در برابر تهدیدهای خارجی بایستد (رک: بامداد، ۱۳۵۲، دولت آبادی، ۱۳۷۱، ج ۳، شوستر، ۱۳۳۳). «هزارها زن کفن به گردن با ناله و فغان در میان مردم دیده می شدند این اول دفعه بود که زنهای ایران به طور دسته جمعی در اینگونه حوادث شرکت کرده بودند گریه و ضجه زنهای ناله و فریاد مردها، داد و بیدادها صدها افرادی که با تفنگ و شمشیر و چماق و کارد مسلح شده بودند و فریاد یا مرگ یا وطن می کشیدند» (ملک زاده، ۱۳۷۳، ج ۶-۷ ص ۱۴۵۹).

علاوه بر آنچه آورده از تلاش های توده زنان در دوره قاجار که نشان از بینش وطن دوستی، ظلم ستیزی و عدالتخواهی آورده شد برخی فعالیت های فرهنگی جهت دریافت مطالبات نیز در اسناد صریحه این دوره علاوه بر تاثیر قابل توجه در جایگاه زنان آن دوره نشان از تفاوت راهبرهای توده زنان با گروه خواص دارد و در ذیل به آن پرداخته می شود.

۶.۷ اعاده خواست های عموم زنان از طریق شریعت

نکاح نامه های دوره قاجار از منابع قابل اعتنا در خصوص بررسی خواست های زنان در حوزه خانواده و نحوه ارتباط زوج و زوجه است در تعداد قابل توجهی از نکاح های این دوره شرط ضمن عقد دیده می شود. به نظر می رسد بیشتر به عنوان سازوکاری مترقی برای دستیابی به مطالبات طرفین فراتر از چارچوب رایج در عقد نامه است و بیان نیازها

پیش‌بینی‌های لازم جهت استحکام روابط خانوادگی در بستر قوانین شرعی مورد استفاده قرار گرفت است.

وفای به شروط پیش از این هم معتبر بوده تغییرات زمان و تاثیر اقتدار رویکرد فقه استدلالی بر پذیرش عمومی و توسعه عملکرد مترقی نادیده‌نمکی توان گرفت، با بررسی عقدنامه‌ها به نظر می‌رسد که زنان از همین فضای موجود به خوبی استفاده کرده و تا حد امکان خواسته‌های خود محقق نموده‌اند، همین تلاش‌ها و درخواست‌های جامعه بوده که باعث شده در دوره بعدی فقها نظرات جدیدتری بیان کنند و بسیاری از مسائل به صورت حقوق عادی و طبیعی بانوان درآید.

حدود ششصد و نود قبالة ازدواج دوره قاجار در کتابخانه‌ها و مراکز اسناد دولتی و خصوصی چون آستان قدس رضوی، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، کتابخانه ملک، مجموعه‌های خصوصی چون مجموعه اسناد در موزه محفوظی مورد بررسی قرار گرفت. در میان این تعداد، هشتاد و سه شرط با تفاوت‌های محسوسی در میزان انبوهی در هر دوره سلطنت، و همین‌طور تفاوت‌های محتوایی در موضوع شروط ضمن عقد یافت شد. در میان این تعداد هشتاد و سه شرط، ۷ شرط از جانب مردان درج شده و باقی شروط متعلق به زنان است که بیشترین آنها در دوره ناصرالدین شاه و احمدشاه متمرکز شده است.

اگرچه به واسطه کمبود اسناد دارای شروط در برخی دوره‌ها نمی‌توان نتیجه‌گیری دقیق از میزان آگاهی زنان نسبت به جایگاه فردی و اجتماعی خود در سطح وسیع داشت، اما همین میزان نشان‌دهنده تلقی‌شان از جایگاه خود و تکاپو برای وصول به بایدها چه به شکل اجتماعی، چه خانوادگی و چه فردی است. اگر از زاویه جنسیتی نیز در این مورد دقت شود استفاده از امکانات شایسته و مورد پذیرش عمومی برای جریان دادن مفاهیم و خواست‌ها چون قانون، عدالت و آزادی از طریق حضور در افکار عمومی است.

- از مجموع ۷ شرط که از سوی زوج طرح شده است ۵۰ درصد در موضوع اقتصادی، ۳۳ درصد کسب اجازه خروج از منزل از زوج، ۳۳ درصد حق سفر، ۱۶/۶ درصد (یک شرط) درخواست پرستاری از کودکان زوج تا دوره بلوغ.

۱.۶.۷ شروط اقتصادی

شرایطی که در نکاح‌نامه‌های دوره قاجار چشمگیر و قابل بررسی است، شروطی با مبنای اقتصادی است اگرچه زنان از دیرباز حق معامله و حفظ ثروت خود را داشته‌اند، اما درج

مسائل اقتصادی و موجب شفاف نمودن روابط فی مابین زوج و زوجه است و پیشگیری از بروز بسیاری از اختلافات مالی در مسایل خانوادگی بوده است.

شروط مندرج در نکاح نامه ها در این زمینه واگذاری ارث، پرداخت نفقه فرزندان همسر، پرداخت اجرت المثل چند برابر در ازای انجام کار، عدم تصرف اموال فرزندان زوجه، اطلاع از معاملات اموال، پرداخت غرامت، تامین نفقه، مصالحه در پرداخت دین، عدم دریافت هبه ها در زندگی مشترک در صورت متارکه و... موضوعات اقتصادی فراوانی ۳۴.۶۵ درصد از کل شروط ضمن عقد را شامل می شود.

۲.۶.۷ شروط فرهنگی

از نکات قابل توجه در بین شروط در نکاح نامه های دوره قاجار درج شرایطی بر اساس نحوه تفکر و پیش زنان است. شروطی چون اجازت جهت انجام معاملات، اجازه سفر، عدم رواداری اجحاف و ظلم، رضایت به تعلیم و نگه داری فرزندان صغیر زوجه از همسر دیگر در کنار مادر، پایبندی های اخلاقی، حق طلاق در ازای سر زدن گناهان شنیعه از زوج، ادامه تحصیل در مدارس جدید است، که با گذشت سالیان از درج چنین قواعدی هنوز نیز جزو مترقی ترین شرایط و توافق برای تشکیل خانواده است. موضوعات فرهنگی فراوانی ۱۴.۸۵ درصد از کل شروط ضمن عقد را شامل می شود.

۳.۶.۷ شروط حقوقی

فعالیت توده زنان برای کسب حقوق فردی و اجتماعی در قالب فرآیند شرط ضمن عقد حاکی از روشن بینی این گروه دارد و بخش قابل توجهی از شروط را تشکیل می دهد طیف موضوعات حقوقی در نکاح نامه ها عبارتند از حق انتخاب جغرافیا (شهر) و مکان زندگی (مسکن)، حق طلاق، تعیین مجازات در صورت غیبت و سفر در زندگی مشترک،... موضوعات حقوقی فراوان ۵۰.۵ درصد از کل شروط ضمن عقد را شامل می شود.

جدول ۱. فراوانی شروط ضمن عقد در نکاح نامه های دوره قاجار به تفکیک موضوع

شروط اقتصادی	شروط فرهنگی	شروط حقوقی
۳۴.۶۵	۱۴.۸۵	۵۰.۵

۸. نتیجه گیری

دوره قاجار تحت تأثیر آثار و تلاطم های دو برهه سیاسی، فرهنگی بود؛ از یک سو امواج حاصل از جریانات مدرنیته و ظواهر آن، که لازمه آن برای ایجاد پذیرش عمومی رویکرد آرمان گرایانه حداقلی و فردگرایی حداکثری در بیرون بود لذا تمرکز بر منافع اقشار، اصناف، جنسیت و غیره برای ایجاد انسجام اجتماعی و اخلاق جمعی درون گروهی داشت. از طرف دیگر آثار جنبش مشروطیت که در دل سنت ها شکل گرفته بود و پذیرش عمومی آن به واسطه رویکرد منفعت طلبی حداقلی و اخلاق جمعی حداکثری بود، لازمه عمومیت یافتن آن، پیدایش روحیه خیرخواهی عمومی و اخلاق ایثارگرایانه و مرام و مسلک خدمت به هم وطن و ممنوع بود. تناقضات ایجاد شده در چنین فضای اجتماعی به راحتی برای ملتی که هنوز اصول سیستمی در آن شکل نگرفته بود و حکومت قادر متعال و دانای کل بود، قابل هضم نبود. بنابراین در عکس العمل هاو کنش های طبقات اجتماعی جهت دستیابی به خواست ها تفاوت قابل ملاحظه ای وجود داشت .

در مقاله حاضر تفاوت عملکرد و سهم تأثیر تحركات فرهنگیدو گروه از زنان در جریان این تغییرات از دو زاویه مورد پژوهش قرار گرفت ، نخست آنکه تلقی از مفهوم "تغییر" در بینش فردی و فرهنگ عمومی در میان خواص وتوده زنان یکسان نبود زیرا ماهیت تغییر با دگرگونی، تبدیل، تکامل آغشته است پس محور تغییر " حرکت " است به موازات این مفهوم معنای فرهنگ نیز همپوشانی قابل ملاحظه ای با حرکت دارد "فر" به معنای پیش، جلو، و "هنگ" به معنای دانایی و آگاهی است برداشت هر گروه از زنان دوره قاجار از تغییرات فرهنگی بر اساس نوع فعالیت آنان متفاوت بوده است، دوم آنکه بر اساس برداشت های متفاوت از تغییرات سازو کارهای گوناگونی بوسیله هر گروه در فرایندهای فرهنگی بکار گرفته می شد.

- تلقی توده زنان از توسعه و تغییر فرهنگی اصلاح بینش عمومی و گروهی در بستر ارزش ها، اخلاق بومی است منتجه این رویکرد در سازو کارهای آنان نیز جریان دارد.

- توده زنان دوره قاجار معمولاً نقش قابل اعتنایی در مشارکت های عمومی و حضور در بزنگاه هایی با نگرش ایثارگرایانه و دگرخواهانه داشتند. به گرچه هرگز سازماندهی نشد و امکان بروز آنها به شکل تشکل هایی قدرتمند بوجود نیامد ولی

منشاء اثر در تغییر گرایش‌های طبقات اجتماعی، تغییر در سبک زندگی عموم بوده است.

- عموم زنان نوعی اصلاح درون ساختاری و استفاده از اهرم‌هایی در ساختارهای موجود جامعه است، پیش‌تر عموم زنان این عصر دارای وجهه‌ای اخلاقی است که از مجاری مذهبی تغذیه می‌شود، لذا متهم ناهنجاری در احقاق حقوق زنان، مردان نیستند چرا که آنان نیز قربانیان استیفای حقوق اجتماعی و گروهی به واسطه سوء مدیریت حاکمیت هستند. بنابراین، جهت عملکرد عموم زنان این دوره تعامل و ارتباط بین سنت‌ها و تجدد به وسیله سازوکارهایی است که مذهب و عرف در اختیار آنان قرار داده است و اتفاقاً به موفقیت‌های قابل توجهی نیز دست می‌یابد. برای روشن‌تر شدن گمانه‌های مطرح شده تصویر کلی از فعالیت‌های فرهنگی زنان در این دوره مورد مطالعه قرار گرفته است.

- عموم زنان سعی در ایجاد توازن میان «اعتقادات»، «ارزشها» و «کارکردها» با تاکید بر سرمایه‌های موجود جامعه داشته و با درک چند جانبه از ظرایف، جوانب و حساسیت‌های قواعدی که اکثریت جامعه به آن پایبند بودند، در اشاعه سازوکارهایی متناسب کهسهل و ممتنع در بستر جامعه جریان می‌یافت مانند شروط ضمن عقد، نمودند.

- پشت‌صحنه بودن عموم زنان که به استقامت‌های علنی آنان منجر شد خود نشانگر این است که به میزان عملکرد قابلیت‌ها و نقش‌آفرینی‌های روی‌صحنه و محسوس، اصلاحات گسترده‌تر و تغییرات متنوع‌تری به منصه ظهور می‌رسید. این امر به بهره‌مندی زنان از ظرفیت‌هایشان کمک کرده و سبب می‌شد با پیوندسازی میان انگیزه‌ها و پتانسیل‌ها، خلاقانه‌ای که در گذر زمان آنان را در مواقعی منفعل ساخته بود پر کند.

- در شاخص‌ترین مشارکت‌های عمومی یعنی مشروطیت علی‌رغم عدم دستیابی زنان به خواست‌هایی چون حق رأی در فرهنگ توده زنان، انفصال از مجموعه جامعه دیده نمی‌شود. در همین زمان مشارکت آنان در خصوص خرید اوراق قرضه و یا تحریم کالاهای روسی و انگلیسی به خوبی حاکی از دیدگاهی یک‌پارچه و هماهنگ در جهت منافع ملی دارد.

- تلقی زنان از گروه خواص از توسعه و تغییر فرهنگی بر اساس ایجاد آگاهی در بینش زنان و و همسانی جنسیتی در بستر پیشرفت های غیر بومی و جوامعی است که مراحل از توسعه و تغییر را پشت سر گذاشته اند است متوجه این رویکرد در سازو کارهای آنان مانند گسترش نشریات برای آگاه نمودن زنان از موقعیت نازل تر نسبت به مردان است .
- رد پای حضور زنان در حلقه قدرت و در درون روابط دربار قاجار از هر دوره تاریخی بیشتر مستند شده است وجود زنان درباری در مراکز قدرت دو تأثیر اصلی در رابطه حکومت و ملت داشت. اول آنکه از جایگاه زنانه در پیشبرد امور کشور (چه در سیر درست و چه اشتباه) بهره می بردند و مانع ایجاد تابوی جنسیتی در بالاترین عرصه تصمیم گیری ایران بودند، دوم به واسطه داشتن دارایی و ثروت و توزیع آن در امور خیر به عنوان رابط میان درون قدرت با بدنه جامعه و ملت بودند که هر دو وجه در کاهش تنش های اجتناب ناپذیر اجتماعی نقش مؤثری ایفا می نمود. این گروه از زنان با استفاده از منابع و اقتدار اقتصادی دربار جایگاه و منزلت در میان مردم به دست آورده و مأمنی برای گشایش امور بودند و به نوعی در ایجاد ارتباط طبقات حاکم جامعه و در تقویت اعتماد اجتماعی با توده مردم نقش مثبتی ایفا می نمودند به واقع زنان نقش آفرینانی مقتدر از دو جنبه سیاسی برای تداوم و استحکام حاکمیت بودند یکی تدبیر امور درونی دربار و دیگری ارتباط بین درون دربار و بیرون جامعه.
- به نظر می رسد از عهد ناصری تا پایان قاجار نگاه به جایگاه زنان در مکتوبات بیش از آنکه به مظالم ناشی از استبداد سیاسی معطوف شده باشد به جدال و چالش جنسیتی و قطبی نمودن جامعه به مرد ظالم و زن مظلوم، کشمکش میان موافقان و مخالفان تغییر زنان معطوف شده است. به خصوص این امر در نوشتارهای زنانی که در طبقه اجتماعی نزدیک به مراکز قدرت بودند تجلی بیشتری دارد، در قرائت آنان مردان فی نفسه عامل عدم دستیابی زنان به آگاهی از حقوق شان هستند و به همین دلیل عملکرد آنان بر اساس الگوهایی که از ممالک غربی دیده یا شنیده اند، پایه گذاری شده است. لذا بر مبنای همین تحلیل، ساختارهای جدیدی را برای درمان ارائه داده و بر آن پای می فشارند. در واقع تغییر در حقوق زنان از سوی خواص،

توانمند نمودن زنان برای مقابله با قشر مردان است که در پس آن بدبینی، انتقام و رقابت ستیزه جویانه، که ریشه در اخلاق جنسی-جنسیتی دارد.

- زنان وابسته به دربار و قدرت به دلیل برخورداری از پشتوانه و حمایت سیاسی و اقتصادی، در دوره های مختلف بیشتر از طریق پایگاه، طبقه اجتماعی خود برای کسب حقوق فردی و اجتماعی زنان حمایت می شدند و سهم تاثیر فعالیت های آنان به نزدیکان و طبقه های اجتماعی خودشان محدود می شد.

- زنان از گروه خواصبه دلیل سفر و مراودات با کشورهای همسایه و یا دیگر کشورها امکان مقایسه وضعیت خود با زنانی از دیگر فرهنگ ها را داشتند به الگوهای رفتاری جوامع دیگر فارغ از نوع فرهنگ، تعلقات و ارزش های آنان، متمسک شده و به اشاعه روش هایی که بعضاً با فرهنگ ایران تناسب نداشت، می پرداختند، لذا زمان قابل توجهی برای به ثمر رساندن ایده ها و ساختارهای جدید طی می شد تا گروهی اندک جذب و به عنوان هوادار از الگوهای جدید پیروی نمایند لذا در اکثر آثار به جای مانده از تلاش زنان طبقات بالای اجتماعی این دوره جهت طرح نیازهای فردی و یا قابلیت های زنان وانعکاس روابط درون گروهی بود.

- در مورد فعالیت های سیاسی نقش توده و عموم زنان بسیار مشخص و بارز از طیف درباری است، حتی در جنبش تنباکو که با تحریم گسترده توده زنان را در پی داشت و در تاریخ نگاری ها از نقش زنان درباری در اعتراض به شاه سخن بسیار آمده ولی زنان روستایی که شاه طی گردش و شکار آنان را به همسری گرفته بود چون انیس الدوله، سازمان دهی اعتراض را به عهده داشتند.

- محتوای آثار به خصوص در قالب روزنامه پس از جنبش تنباکو سمت و سوی اجتماعی گرفته و کم کم نگاه دوگانگی و یافتن علل و عواملی که موجب عقب ماندگی زنان شده در متهم نمودن نظام مردانه جلوه گر می شود در حالیکه، بسترهای تغییر فرهنگ و نوع تفکر زنان در اواخر قاجار نیاز به اختلاف پتانسیل طبقه های اجتماعی، اقشار قومی، نژادی و جنسیتی داشت که عدم وجود انضباط اقتصادی و بحران ها و نوسانات مالی و استبداد سیاسی در این دوره زمینه مناسب را فراهم آورد.

تاریخ نگاری دوره قاجار دارای شکاف های عمیق و چارچوب های تاریک از عدم وضوح جایگاه زنان است و روایت های مبنی بر شرایط منحنی و سیاه آن دوران برای آنان

شاید با توجه به تصویری که از فعالیت های فرهنگی و سیاسی رفت چندان واقعی نباشد، البته منظور وجود موقعیت مناسب و محیط متوازن برای زنان نیست بلکه به نظر می رسد شرایط سیاسی و اقتصادی چنان گران بر دوش ملت چه زن و چه مرد بار شده بود که نگاه به مشکلات از دریچه جنسیت در اولویت های ابتدایی قرار نمی گرفت و هر دو جنس در موقعیت به نسبت همسانی به لحاظ فرهنگی و سیاسی به سر می بردند ولی تفاوت های واضحی در نحوه عملکرد و مواجهه با مشکلات با مقایسه آثار دو قشر از زنان بخوبی آشکار شد.

کتابنامه

- ناهیدی آذر، عبدالحسین (۱۳۸۴)، سه مبارز مشروطه، انتشارات اختر، تبریز.
- سلطان احمد میرزا عضدالدوله، (۱۳۷۵)، تاریخ عضدی، تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی، ناشر بابک، تهران
- بامداد، بدرالملوک، (۱۳۴۷)، *زنایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، تهران: ابن سینا
- مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، ج ۱، زوار، تهران، ۱۳۲۱
- ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۷۸)، *اسنادی از مدارس دختران از مشروطیت تا پهلوی*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد.
- ترابی فارسانی، سهیلا، (۱۳۸۹)، *گزیده اسناد نظام آموزشی مجلس شورای اسلامی (دوره سوم تا پنجم) تهران*، تهران: نشر کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قاسمی پوریا، اقبال، ۱۳۷۷، مدارس جدید در دوره قاجاریه بانیان و پیشروان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی
- راوندی، مرتضی، ۱۳۶۴، ...فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، جلد پنجم، نشر نگاه، تهران
- کارلا، سرنا، (۱۳۶۲)، *سفرنامه مادام کارلا سرنا، آدمها و آیین ها در ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، زوار
- صدیق، عیسی، (۱۳۵۴)، *تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر*، دانشگاه تهران
- کسروی، احمد (۱۳۷۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، امیرکبیر، چاپ هفدهم و سال ۱۳۷۸.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی، (۱۳۶۲)، *نظم و نظمیة در دوره قاجار*، تهران، یساولی
- رایس، کلارا کوپور (۱۳۸۳)، *زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان*، ترجمه اسدالله آزادف تهران، کتابدار.
- قویمی، فخری، *کارنامه زنان مشهور ایران در علم، ادب، سیاست، مذهب، هنر، تعلیم و تربیت*، از قبل از اسلام تا عصر حاضر، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲
- محبوبی اردکانی، حسین، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰، ج ۱، چاپ دوم

- کراچی، روح انگیز، (۱۳۸۰)، *اندیشه نگاران زن در شعر مشروطه*، تهران: دانشگاه تهران.
- کراچی، روح انگیز، (۱۳۸۹)، نویسنده اصلی تأدیبات النسوان کیست؟، مجله علمی پژوهشی تاریخ ادبیات، شماره ۶۵/۳، دانشگاه شهید بهشتی
- رجبی، محمدحسن (۱۳۷۴)، مشاهیر و زنان پارسی گوی از آغاز تا مشروطه، انتشارات سروش، تهران.
- مشیر سلیمی، علی اکبر، (۱۳۳۵)، زنان سخنور، ج ۱ و ۲، انتشارات موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، تهران
- بختیاری، بی بی مریم، (۱۳۸۲)، *خاطرات سردار مریم*، ویرایش غلامعباس نوروزی بختیاری، تهران: نشر آژان.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۹)، *سفرنامه های حج قاجاری (پنجاه سفرنامه)*، تهران: علم، ج ۴ و ۵ و ۷.
- گلبن، محمد، (۱۳۷۹)، *گلزار خاموش، یادنامه بانو راضیه دانشیان گلبن*، همراه با مقالاتی درباره زنان، تهران: رسانش.
- کیانی هفت لنگ، کیانوش، ۱۳۸۴، *سفرنامه سکینه سلطان وقارالدوله*، انتشارات پانیز سعدوندیان، سیروس، ۱۳۹۰، *خاطرات مونس الدوله*، نشر زرین، تهران
- جوادی، حسن، منیژه مرعشی، سیمین شکرلو، (۱۳۷۱)، *رویاریبی زن و مرد در عصر قاجار دو رساله تادیب النسوان و معایب الرجال*، انتشارات کانون پژوهش تاریخ زنان ایران (شیکاگو) و شکرت جهان (مربلند).
- تاج السلطنه، (۱۳۶۲)، *خاطرات تاج السلطنه*، کوشش منصوریه اتحادیه و سیروس سعدونیان، چاپ دوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- توحیدی، نیره، *بازنگری در قلمرو جنسیت*، ایران نامه، سال دوازدهم.
- شیخ الاسلامی، پری، ۱۳۵۱، *زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران*، انتشارات زرین، تهران
- روزنامه شکوفه (۱۳۳۲)، *فلسفه حجاب*، سال دوم، ش ۲۴.
- دیولافورا، ژان (۱۳۶۱) *سفرنامه مادام دیولافورا: ایران و کلد، ترجمه همایون فرهوشی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- یار محمد خان سهام الدوله و خاور بی بی شادلو (۱۳۷۴) *سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی*، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- دولت ابادی، یحیی (۱۳۶۱)، *تاریخ معاصر یا حیات یحیی*، تهران، عطار، ج ۲؛ نشر فردوس، ۱۳۷۱
- شوستر، مورگان (۱۳۳۳ ق)، *اختناق ایران*، تهران، حبل المتین.
- اتحادیه منصوره (۱۳۸۸) *زنانی که زیر مقنعه گلاهداری کردند*، تهران: نشر تاریخ ایران،
- کتیرایی، محمود ۱۳۷۸، *از خشت تا خشت*، تهران، نشر ثالث.
- هدایت، صادق ۱۳۱۲، *نیرنگستان*، تهران نشر توسعه عدالت.
- مشیر سلیمی، علی اکبر ۱۳۳۵، *زنان سخنور*، تهران: شرکت سهامی چاپ و انتشارات کتب ایران

بررسی تطبیقی فرایندهای فرهنگی طبقات مختلف زنان دوره قاجار ۱۱۱

یار محمد خان سهام الدوله و خاور بی بی شادلو (۱۳۷۴)، سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی، تهران، نشر علمی فرهنگی.

آبادیان، حسین (۱۳۷۶)، اندیشه دینی و نهضت ضد ژری در ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران

رکوعی، کیوان، (۱۳۸۹)، دوله ها و سلطنه ها، تهران، نشر کیوان

توانا، مرادعلی، (۱۳۸۴)، زن در تاریخ معاصر ایران، تهران: انتشارات برگ زیتون.

مستوفیان، امیرعلی، (۱۳۸۷)، بارقه حقیقت، نوشته قدس ایران، تهران: راه نیکان

منابع اسنادی:

آرشیو واسناد کتابخانه ملی، شماره ۸۴-۹۴؛ ۲۰۱۵۱۱۱۹/(۸-۷) / ۳۰۹-۳۱۷، شماره ۱۵۱۱۱۹/۲۰۱۷۳-۱۷۷؛ ۲۰۱۵۱۱۱۹ (۲ و ۳ و ۴) / ۲۹۶-۲۵۹۱۴ / 296-18268/wm.

مرکز اسناد آستان قدس رضوی، شماره سند ۴۹۲۴۳ (۳۳۳) /

۸۷۷۸۱ / (۳۴۵) ۹۱۴۴۵ / ۱۱۳۰۶۷ / ۸۴۶۴ / ۵۹۶۰۵ / ۹۳۸۸۸ / ۴۵۰۵۱

مجمع ذخایر، خاندان رضوی مشهد، شماره ۳۱۰

موزه ملک، شماره ۶ مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۸۰۴۵

مجموعه اسناد دکتر محفوظی، مجموعه نکاح نامه ها

موزه ملک، شماره ۸ Dr hojat

موزه گلستان، موزه مردم شناسی سند شماره ۸

دنیای زنان در عصر قاجار، کتابخانه دانشگاه هاروارد، مجموعه شهداد فاضلی، ش A41385

مجمع ذخایر، خاندان رضوی مشهد، شماره ۳۰۸ و ۳۱۱

مرکز اسناد آستان قدس رضوی، شماره

۴۹۲۴۳ / ۹۳۸۸۸ / ۱۱۳۰۶۷ / ۸۴۶۴ / ۴۷۸۹ / ۱۱۳۵۲۲ / ۹۳۸۸۴ / ۱۱۴۵۳۱ / ۱۱۰۲۸۱ / ۱۰۵۴۲۶ (۳۳۳) /

۴۵۰۵۹ / ۷۷۸۸۱ / ۴۵۰۵۱ (۰۰۳۷۴ - ۰۰۳۷۳) / ۴۵۰۶۱ / ۱۶۱ (۰۰۳۷۵ - ۰۰۳۷۴) /

۴۱۱۵ / ۱۰۷۹۷۲ / ۴۷۸۹ / ۱۱۳۵۲۲ / ۹۳۸۸۵ / ۰۰۱۴۷ / ۹۳۸۸۴ / ۹۳۸۸۲ / ۱۱۴۵۳۱ / ۵۳۵۹۷ / ۶۵۵۷۷ / ۱۰۵۴۲۶

، ۴۱۱۶؛ ۴۱۱۵ / ۹۳۸۸۸ / ۱۱۳۰۶۷ / ۵۹۶۰۵ / (۳۴۵) ۹۱۴۴۵ / ۴۵۰۵۱ /

دنیای زنان در عصر قاجار، کتابخانه دانشگاه هاروارد، مجموعه خانواده اشرفی، ش A1681138

آرشیو واسناد کتابخانه ملی، شماره ۸۴-۹۴؛ ۲۰۱۵۱۱۱۹/(۸-۷) / ۳۰۹-۳۱۷، شماره ۱۵۱۱۱۹/۲۰۱۷۳-۱۷۷؛

۲۰۱۵۱۱۱۹ (۲ و ۳ و ۴) / ۹۸(۴)

مهرنامه های عصر قاجاریه بیرجند

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، شماره ۲-۸۰۴۰

مجمع ذخایر، مجموعه سپهری، شماره ۶۲۲

مجمع ذخایر، خاندان رضوی مشهد، شماره ۳۱۰

۱۱۲ جستارهای تاریخی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

اسناد ملی، شماره ۱۷۳-۱۷۷؛ ۲۰۱۵۱۱۱۹ (۲ و ۳ و ۴)

مجمع ذخایر، خاندان رضوی مشهد، شماره ۳۰۸

مجمع ذخایر، دانشگاه اصفهان، شماره ۰۰۵۷

مجمع ذخایر، منتشر نشده خوانسار، شماره ۷۸۰

دنیای زنان در عصر قاجار، کتابخانه دانشگاه هاروارد، مجموعه کارن، ش A158۱۲۵۲ / ش A136۱۲۵۲

ش A192۱۲۵۲ / ش A91۱۲۵۲ / ش A50۱۲۵۲ / شماره سند A65۱۲۵۲ / شماره سند

ش A130۱۲۵۲ / A127۱۲۵۲ / A65۱۲۵۲ / ش A119۱۲۵۲ / A66۱۲۵۲ / A151۱۲۵۲

ش A143۱۲۵۲ / A119۱۲۵۲ / A156۱۲۵۲ / ش A136۱۲۵۲ / ش A91۱۲۵۲ / ش A47۱۲۵۲ / ش

ش A89۱۲۵۲ / ش A50۱۲۵۲ / A127۱۲۵۲ / A135۱۲۵۲ / A130۱۲۵۲ / A147۱۲۵۲ / A105۱۲۲۲ / A156۱۲۵۲

/ A127۱۲۵۲ / A65۱۲۵۲ / A133۱۲۵۲ / A60۱۲۵۲

A45۱۲۵۲ / A47۱۲۵۲ / A192۱۲۵۲ / A136۱۲۵۲ / A158۱۲۵۲ / A119۱۲۵۲ / A91۱۲۵۲ / A89۱۲۵۲ / A135۱۲۵۲

/ A50۱۲۵۲ /

